موانع و چالش‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی

سوسن باستانی،[*] کوثر خسروی‌دهقی[**]

چکیده

طرح مفهوم عدالت جنسیتی همواره مناقشاتی به همراه داشته است. در حال حاضر با ورود این مفهوم به برنامهٔ ششم توسعه، می‌بایست سیاستگذاری‌ها در تحقق آن به‌طور جدی پیگیری و دنبال شود. هدف پژوهش حاضر، مطالعهٔ مانع‌ها و چالش‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی از نگاه صاحب‌نظران است. به این منظور برای گردآوری اطلاعات (با توجه به اصول نمونه‌گیری هدفمند و تدریجی) با ۹ نفر از صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزهٔ زنان و سیاستگذاری، مصاحبه (نیمه‌ساختاریافته) شده و با استفاده از نظام کدگذاری نظریهٔ زمینه‌ای، داده‌ها در پاسخ به پرسش‌های اصلی پژوهش دسته‌بندی شده است. براساس یافته‌های پژوهش حاضر کلیدی‌ترین چالش‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی شامل عدم وفاق دربارهٔ تعریف عدالت جنسیتی، سیاست‌زدگی، ضعف در برنامه‌نویسی و ضعف داده و آمار است و از مهم‌ترین لوازم سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی، مصداق‌یابی و ارائهٔ تعریف برای عدالت جنسیتی می‌باشد. با توجه به لزوم عاملیت نیمی از جامعه یعنی زنان در توسعهٔ پایدار، تعیین شاخص‌های عدالت جنسیتی و تبیین معیارهایی که برای تحقق عدالت جنسیتی باید در سیاستگذاری‌های عمومی مد نظر قرار گیرد ضروری است.

کلیدواژه‌ها: سیاستگذاری، جنسیت، عدالت جنسیتی، مانع‌ها و چالش‌ها.

[*] استاد گروه علوم اجتماعی و مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه الزهرا (س) sbastani@alzahra.ac.ir

[**] کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول) akhosravi906@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۶

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۹- ۵۷

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

۱. مقدمه و بیان مسئله

گزارش‌هـای شکاف جنسیتـی مجمع جهانی اقتصاد بیانگر آن است که هیـــچ جامعه‌ای با زنـان رفتاری برابر مردان ندارد. براساس آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد[1] در سال ۲۰۱۷ و رتبه‌بندی کشورها از لحاظ شکاف جنسیتی، در بین ۱۴۴ کشور جهان، ایران با امتیاز ۰/۵۸۳ در رتبهٔ ۱۴۰ بالاتر ازکشورهای چاد، سوریه، پاکستان و یمن و پایین‌تر از لبنان، عربستان و مالایا قرار گرفته است.

در بیانیهٔ چهارمین کنفرانس جهانی زن، مشارکت براساس برابری زنان و مردان، از شروط توسعهٔ پایدار انسان‌محور اعلام شد و برنامهٔ اقدامات پکن برای حذف موانع مشارکت زنان در همهٔ زمینه‌های عمومی و خصوصی زندگی تصویب شد. هیئتی ایرانی در اجلاس پکن در سال ۱۹۹۵ حضور داشتند و اعلام کردند که ایران «عدالت جنسیتی» را به جای «برابری جنسیتی» معیار قرار خواهد داد. اما هنوز ایدهٔ مطرح‌شده ایران در اجلاس مذکور نه تنها برای تعامل با فضای بین‌المللی روشن نیست که حتی در داخل کشور نیز مبهم است.

در برنامه‌های اول و دوم توسعه توجه‌ای به پیگیری و برنامه‌ریزی برای عدالت جنسیتی و حتی موضوع جنسیت نشده است. اما برنامهٔ سوم توسعه، پیشرفت چشمگیری در برنامه‌ریزی جنسیتی در کشور محسوب می‌شود که توانمندسازی زنان و مشارکت آنان در سرنوشت جامعه را هدف‌گیری کرده و تا حدی به نقش آفرینی زنان در فرآیند توسعه توجه شده است و با رفع موانع قانونی و ساختاری، به دنبال بالا بردن سهم زنان در توسعه‌یافتگی کشور و افزایش کارایی آنان در رشد کشور است (عباس‌زاده، ۱۳۹۴). برنامهٔ سوم بی‌طرفی جنسیتی را به‌طور آگاهانه لحاظ کرده است و بر توانمندسازی زنان تأکید دارد (زعفرانچی، ۱۳۸۵). از نکات مهم در برنامهٔ سوم تقارن آن با راه‌اندازی نهادی به عنوان «مرکز امور مشارکت زنان» بود.

«عدالت جنسیتی» اولین بار در مادهٔ ۱۵۵ لایحهٔ برنامهٔ چهارم توسعه به تصویب مجلس رسید، اما با مخالفت شورای نگهبان به دلیل ابهام برای اصلاح به مجلس برگشت و مجلس هم عدالت جنسیتی را از لایحه حذف کرد.

در برنامهٔ چهارم توسعه، برای اولین بار مبحث جنسیت و اختصاص امتیازات ویژه به زنان مطرح و دولت موظف شد با هدف تقویت نقش زنان در جامعه، توسعهٔ فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها را در کشور در دستور کار قرار دهد (منصوری، ۱۳۹۴: ۱۶). برنامهٔ چهارم توسعه نشان داد که عزم برنامه‌ریزان برای کلیشه‌زدایی جنسیت از برنامه‌ها جدی است و دولت در پی حذف حداکثری تبعیض جنسیتی از سطح نهادهاست. برنامهٔ چهارم توسعه توجه نسبتاً جدی و

1. World Economic Forum

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

روشنی به حوزهٔ آموزش زنان داشته و حتی به طور خاص آموزش عالی زنان و تحقق عدالت جنسیتی را به رسمیت شناخته است (عباس‌زاده، ۱۳۹۴).

برنامهٔ پنجم توسعه از لحاظ کمّی کمترین مواد دربارهٔ موضوع زنان و عدالت جنسیتی را دارد و به مواد اجتماع‌محور و خانواده‌محور پرداخته و اهتمام آن بر مقولهٔ زنان در قالب خانواده است (صفری شالی، ۱۳۹۴).

برنامهٔ چهارم و پنجم توسعه رویکردهای متضادی را داشته‌اند. چنانچه توجه برنامهٔ چهارم به رفع تبعیض، مثبت و آمارها رو به بهبود بوده‌اند ولی در برنامهٔ پنجم به موضوع جنسیت توجه نشده است.

در مادهٔ سی‌ویکم لایحهٔ برنامهٔ ششم توسعه، عدالت جنسیتی دوباره مطرح شد و منجر به بحث‌های متعددی شد. در نهایت «عدالت جنسیتی» در لایحه ماند و در مادهٔ ۱۰۱ برنامهٔ توسعه ششم[1] به وظایف دستگاه‌ها در خصوص رصد اجرای عدالت جنسیتی اشاره شده که برای این منظور به شاخصی برای اندازه‌گیری نیاز است. تعیین شاخص‌های عدالت جنسیتی مادهٔ ۱۰۱ به ستاد ملی زن و خانواده سپرده شده است و در حال حاضر مهم‌ترین مسئله در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است. به‌خصوص برای دستیابی به گزارش‌های قابل اعتناء که نشان‌دهنده تغییرات در پیشرفت و پسرفت وضعیت موجود باشد. گنجاندن مفهوم عدالت جنسیتی برای اولین بار در برنامهٔ ششم، نقطه عطفی محسوب می‌شود که از ضرورت‌ها و انگیزه انجام این پژوهش نیز بوده است.

اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع عدالت جنسیتی از چند جنبه قابل بحث است. در وهلهٔ اول، عدالت به مثابهٔ یک سیاست ضرورت دارد. زیرا بهزیستی در سطح فردی و جمعی باید متضمن تحقق عدالت باشد و برخورداری طبقات محروم جامعه، مهم‌ترین دغدغه و هدف حکومت اسلامی و راهبرد اساسی و کلان نظام جمهوری اسلامی است. ضرورت دیگر این پژوهش، مسئلهٔ سیاستگذاری در حوزهٔ زنان و پژوهش دربارهٔ جایگاه زنان در جامعه به ویژه در کشورهای در حال توسعه و در آغاز هزارهٔ سوم است که ضرورت توسعه و نقش زنان در سرلوحهٔ

۱. «کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهداف سند چشم انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی برنامه ششم و سیاست‌های کلی خانواده مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی برمبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات براساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام کنند».

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

آن قرار دارد. درحال حاضر ایران در خصوص برابری جنسیتی در مقابل جامعه جهانی قرار گرفته و تاکنون هم تقابل و تعامل فعالی نداشته است. سیاست هر نظامی باید جمع‌کردن و هماهنگی بین توسعه و عدالت باشد و هیچ کدام نباید فدای دیگری شود.

براین اساس، مسئلهٔ اصلی این پژوهش شناخت ویژگی‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی و بررسی مانع‌ها و چالش‌های پیش‌روی سیاستگذاران و راهکارهای رفع آنهاست که با هدف تبیین عوامل تحقق‌بخش و تبیین عواملی که تاکنون مانع تحقق عدالت جنسیتی در سیاستگذاری‌های عمومی شده‌اند، انجام گرفته است.

پیشینهٔ پژوهش

محققان حوزه‌های مختلف علوم انسانی، مطالعات و پژوهش‌هایی با هدف رفع تبعیض علیه زنان و ارائهٔ راهکارهایی درخصوص تحقق عدالت جنسیتی انجام داده‌اند. این مطالعات را می‌توان در چند دسته مطرح کرد:

دستهٔ اول: قائل به عدالت جنسیتی مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی هستند و عملیاتی‌کردن آن را در هماهنگی با کتاب شریعت اسلام و تبیینی متکی بر فرهنگ بومی و اسلامی می‌دانند و نظریه‌های فمینیستی را مغایر با هویت انسانی معرفی می‌کنند (آقاجانی، ۱۳۸۸؛ آذربایجانی، ۱۳۸۸؛ میرخانی، ۱۳۹۲؛ عبدالهی دمنه، ۱۳۹۴). آنان معتقدند تساوی در حقوق اولیه ممکن، اما مساوات مطلق نه ممکن و نه مطلوب است (رودگر، ۱۳۸۸). همچنین اشاره می‌کنند که برای تحقق عدالت جنسیتی نیاز به خودباوری زنان و تحول عمیق در بینش تاریخی جامعه است (عطارزاده، ۱۳۸۸).

دستهٔ دوم: عدالت جنسیتی را در متون و اسناد مرجع مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (پژوه، ۱۳۹۳؛ هاشمی، ۱۳۹۴) و لایحه‌ها و برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (صفری‌شالی، ۱۳۹۴؛ علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶) بررسی کرداند. در پژوهش‌های داخلی، تحلیل و ارزیابی وضعیت عدالت جنسیتی در حوزهٔ آموزش بیش از سایر حوزه‌ها توجه پژوهشگران را جلب کرده است (آتشک، ۱۳۹۱؛ عباس‌زاده، ۱۳۹۴؛ وکیلی، ۱۳۹۴).

دستهٔ سوم به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که در زمینهٔ برنامه‌ریزی و سیاستگذاری با هدف تحقق عدالت جنسیتی و برابری جنسیتی، به مطالعه و نقد نظریات و تجربیات و فرآیندهای انجام شده و ارائهٔ راهکار پرداختند. لامباردو و همکاران (۲۰۰۹) تأکید می‌کنند رویکرد عدالت جنسیتی باید پویا باشد، به نحوی که بتوان این رویکرد را در تابوهایی که پیش می‌آید نیز بسط و انعطاف داد. عدالت مفهومی به مراتب پیچیده‌تر از جنسیت است و سیاست‌های

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

طبقه‌بندی‌شده و مشخصی نیز برای دستیابی به آن وجود ندارد. تفسیر و معنای عدالت به زمینهٔ موجود بستگی دارد. ویژگی بازبودن و سیال‌بودن مفهوم عدالت جنسیتی و توانایی آن در بروز معانی مختلف، باعث درک قابلیت بسط و انعطاف این مفهوم شده و سبب می‌شود رویکرد گفتمانی در سیاستگذاری‌های مربوط اتخاذ شود.

مارشال (۲۰۰۰) دربارهٔ سیاست‌های گسترش عدالت جنسیتی در استرالیا مصاحبه‌هایی انجام داده و به تحلیل گفتمان فعالان سیاسی آن کشور در این‌باره پرداخته است. وی نشان داده که چگونه سیاست‌ها دریچهٔ جدیدی را باز کرده و چگونه فعالان سیاست را از حاشیه به مرکز آورده و مخالفان ایجاد چالش کرده‌اند.

میرویسی نیک (۱۳۹۳) با تحلیل مهم‌ترین مبانی اندیشهٔ آمار تیاسن، ظرفیت‌های رویکرد توسعهٔ انسانی آمارتیاسن را در تحقق عدالت جنسیتی، از طریق فراهم‌کردن بستر قدرت‌یابی زنان و رهایی آنها از ساختارهای اجتماعی نابرابری‌ساز تبیین کرده است. دو نکتهٔ کلیدی در این پژوهش به چشم می‌خورد: ۱) عدالت جنسیتی بدون رویکرد قابلیتی و توانمندی به سیاستگذاری‌های عادلانه منتج نمی‌شود. ۲) نتیجه مبنا قراردادن رفاه و بی‌توجهی به آزادی و عاملیت انسانی، نگرش محدود به بی‌عدالتی جنسیتی است.

شادی‌طلب (۱۳۹۴) به بررسی ۱۲ مورد از گزاره‌ها و باورهایی که براساس گزارش‌های مستند و پژوهش‌های علمی، به عدم تحقق عدالت جنسیتی و تبعیض علیه زنان کمک کرده، پرداخته است و با استفاده از آمار و استدلال اطلاعات نشان داده که این ۱۲ گزاره بر پایهٔ اطلاعات درستی بنا نشده است و باید کنار گذاشته شوند.

در مجموع مطالعات پیشین مبین این مطلب هستند که عدالت جنسیتی پروژه‌ای باز است و طیفی از برداشت‌ها در تبیین و تعریف کلیت و شاخص‌های عدالت جنسیتی وجود دارد. همچنین چالش‌برانگیزبودن عدالت جنسیتی محدود به کشور ما نیست و تجربهٔ بین‌المللی نیز نشان می‌دهد، با عبور از نگاه محدود و سطحی به عدالت جنسیتی، شکاف و تبعیض جنسیتی کاهش یافته و ضروری است سیاستگذاران تا وجود هر نوع تبعیض جنسیتی، استراتژی عدالت جنسیتی را در سیاستگذاری‌ها لحاظ نمایند.

۲. چهارچوب مفهومی

چهارچوب مفهومی این تحقیق مبتنی بر دو مفهوم عدالت جنسیتی و برنامه‌ریزی توسعه است. هر یک از مفاهیم «عدالت»، «جنسیت» و «توسعه»، محل مناقشات نظری و علمی بی‌پایانی بوده‌اند. ترکیب این مفاهیم نیز نظرات و رویکردهای متفاوتی را برانگیخته است. اهمیت شمول

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

زنان به عنوان عاملان و ذی‌نفعان توسعه و درک خسارتی که تبعیض جنسیتی به روند توسعه پایدار وارد کرده و می‌کند، توجه به عدالت جنسیتی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه مطرح می‌کند.

طرح مطالبات زنان که برخاسته از افزایش آگاهی زنان بود، باعث شد تا از دهۀ هفتاد میلادی به‌تدریج برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توسعه، برنامه‌های بیشتری به زنان اختصاص دهند (شفیعی و پورباقر، ۱۳۹۴) و از این دوران به بعد سه رویکرد در راستای احقاق حقوق زنان، در دستور کار سیاستگذاری‌های توسعه قرار گرفت: «زنان در توسعه»[1]، «زنان و توسعه»[2] و «جنسیت و توسعه»[3] (مامسن، ۱۳۸۸).

۱. زنان در توسعه: گرایش فمینیسم لیبرال با این تفکر پیوند جدّی دارد و تأکید هر دو نگاه بر دو عنصر آموزش و فرصت‌های برابر برای بهبود وضع زنان، گواه این پیوند است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۹۹). سیاست‌های اصلی این دیدگاه بر برنامه‌ریزی خاص برای زنان تأکید می‌کند و آنان را گروهی جدا و آسیب‌پذیر می‌بیند که باید از طریق طرح‌های خاص زنانه حمایتشان کرد. در این دیدگاه به نقش‌آفرینی زنان در فرآیند توسعه چندان توجه نمی‌شود (قره‌یاضی، ۱۳۸۲). تجربۀ اجرای طرح‌های خاص زنان جدا از مردان نشان داد که زنان بیش از پیش از متن توسعه به حاشیه رانده شده‌اند. ماندگاری نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و در برخی موارد تشدیدشدن آنها باعث ایجاد ضرورت نگاه جنسیتی به برنامه‌ریزی‌های توسعه شد (عباس‌زاده، ۱۳۹۴).

۲. زنان و توسعه: این رویکرد در ذیل فمنیست سوسیال قرار دارد. رویکرد زنان و توسعه معتقد است زنان معمولاً بیشتر از مردان کار می‌کنند، اما کار آنان در مقابل مردان کار حاشیه‌ای و تکمیلی محسوب می‌شود و به همین دلیل دستمزد کمتری می‌گیرند و استخدام آنها به شیوۀ غیررسمی انجام می‌شود. این دیدگاه، برخلاف رویکرد «زنان در توسعه»، بیانگر آن است که زنان همیشه بخشی از روند توسعه بوده‌اند و پیوند آنان با نوسازی بوده است که آنان را تضعیف و ناتوان کرد (پیت و ویک، ۱۳۸۴: ۲۵۴).

۳. جنسیت و توسعه: در حدود دهۀ ۱۹۸۰ به‌تدریج تفکر زن در توسعه با چالش جدی مواجه شد و اصطلاح جنسیت و توسعه جایگزین شد که بیانگر رویکردی فمینیستی سوسیالیستی است (زعفرانچی، ۱۳۸۵). «دیدگاه جنسیت و توسعه» که به دیدگاه «برابر ولی متفاوت» معروف است، بر این نکته تأکید دارد که نیازهای زنان و مردان باید به‌صورت هم‌زمان و جدایی‌ناپذیر مرتفع شود. این دیدگاه با قبول متفاوت بودن، بر مکمل بودن نقش‌ها تأکید می‌کند؛ بنابراین قائل به این است که باید طرح‌های توسعه به صورت مکمل و حساس به جنسیت و با توجه به

1. Women in Development (WID)
2. Women and Development (WAD)
3. Gender and Development (GAD)

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

روابط زنان و مردان با یکدیگر طراحی شوند (زعفرانچی، ۱۳۸۴). اصل اساسی در این دیدگاه برقراری برابری و عدالت میان زن و مرد است (هانت، ۱۳۸۸: ۲۴۱). جنسیت و توسعه، گرچه برابری جنسیتی را آرمان خود می‌داند، اما آن را از مسیرهای برابر پیگیری نمی‌کند، بلکه علاوه بر سیاست‌های عمومی، بر اجرای سیاست‌های خاص جنسیتی تأکید می‌کند (گرامی‌زادگان، ۱۳۸۳).

عدالت جنسیتی مستلزم تحلیل تأثیر همهٔ دخالت‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای بر روابط جنسیتی و بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه است تا به نحو مناسبی علاقه‌ها و واقعیت‌های متفاوت مردان و زنان درنظر گرفته شوند (ریویز و بادن، ۲۰۰۸: ۱۰). برای تحقق عدالت جنسیتی دو رویکرد کلی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای مطرح است: الف) رهیافت بی‌طرفی جنسیتی که در آن برنامه‌های توسعه نگاه جنسیتی ندارند. در چنین برنامه‌هایی، میان زن و مرد تفاوتی در مشارکت و برخورداری از منافع برنامهٔ توسعه وجود ندارد و در آنها هیچ‌گونه مواد قانونی خاص زنان دیده نمی‌شود. ب) رهیافت حساسیت جنسیتی که در آن، برنامه‌های توسعه با دیدگاه جنسیتی و برابرگرایانه متناسب با شرایط کشورها تنظیم می‌شوند و حتی گاه با هدف کاهش تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی، برنامهٔ توسعه‌ای خاص جمعیت زنان تدوین می‌شود (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۶۴ -۶۵).

آمارتیاسن در بیشتر آثار خود به «عدالت» توجه کرده و معتقد است عدالت، قابلیت است و مفهوم قابلیت را «مجموعه‌ای از عملکردهای مختلف که برای فردارزشمند است و می‌تواند در میان آنها دست به انتخاب بزند» معرفی کرده است (سن، ۱۳۸۱: ۱۰۹). در رویکرد آمارتیاسن عدالت و توسعه در فرآیند رفع موانع قابلیتی پیش می‌روند و تحقق می‌یابند. اما مهم‌ترین موانعی که پیش روی قابلیت‌های اساسی زنان و نظریه‌های عدالت و سیاست‌گذاری عمومی است، عبارتند از: وضعیت بدتر فقر زنان در مقایسه با مردان؛ «جنسیتی‌شدن فقر»؛ محدودکردن حوزهٔ عدالت جنسیتی و تقلیل آن در رفاه‌گرایی و در مقابل بی‌توجهی به عاملیت زنان در ابعاد مختلف زندگی و آزادی انتخاب؛ تلقی‌های محدود از آزادی که از یک‌سو بی‌توجهی به توانمندی‌های زنان است و از سوی دیگر با مطلق‌انگاری و خودمحوری در بسیاری از موارد موجب خدشه به حقوق انسانی زنان می‌شود؛ شمول‌گرایی نظریه‌های عدالت و تقلیل سلیقه‌ها و ارزش‌های زنان در سلیقه‌ها و ارزش‌های مردان (میرویسی نیک، ۱۳۹۳).

همچنین مارتا نوسپام فهرستی از یازده قابلیت اساسی ارائه می‌دهد که باید مبنای سیاستگذاری با دغدغهٔ عدالت جنسیتی باشد که در دسته‌بندی سه‌گانه عبارت است از:

۱. قابلیت‌های اقتصادی و زیستی: که شامل قابلیت‌های حیات، سلامت جسمی و قابلیت نگرانی به گونه‌های غیرانسانی است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

۲. قابلیت‌های اجتماعی و فرهنگی: که دربرگیرنده قابلیت‌های تعلق و نوع‌دوستی، قدرت تخیل و اندیشه، تمامیت بدن، قابلیت وابستگی و مراقبت و در نهایت قابلیت تفریحی و سرگرمی می‌باشد.

۳. قابلیت‌های سیاسی: شامل قابلیت عقل عملی و قابلیت کنترل بر محیط سیاسی و اجتماعی. او معتقد است که فهرست قابلیت‌ها باز است و می‌تواند به تناسب جامعه‌ها و نقادی‌های که از آن صورت می‌گیرد جرح و تعدیل شود ولی این جرح و تعدیل باید متوجه کرامت انسانی هر فرد باشد (میرویسی نیک، ۱۳۹۳).

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است. هدف از پژوهش کیفی دستیابی به درک و فهمی عمیق از پدیده است. انتخاب نمونه با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند و تدریجی انجام شده است. در پژوهش کیفی از روش‌های غیرتصادفی برای انتخاب شرکت‌کنندگان استفاده می‌شود که نمونه‌گیری هدفمند خوانده می‌شود (ابوالمعالی، ۱۳۹۱). زیرا شرکت‌کنندگان باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند تا بتوانند اطلاعات غنی دربارهٔ موضوع پژوهش در اختیار محقق قرار دهند. انتخاب نمونه تا جایی ادامه دارد که پژوهشگر متوجه شود، دیگر چیز تازه‌ای کشف نمی‌شود (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۶۵؛ فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸). همچنین گردآوری داده‌ها با بهره‌گیری از تکنیک مصاحبهٔ عمیق نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و پژوهشگران سیاستگذاری حوزهٔ زنان که اغلب گرایش فکری یا گروه و جریان سیاسی خاصی را نمایندگی می‌کنند، انجام شده است.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	جنس	تحصیلات	سمت
۱	زن	سطح ۴ حوزه	عضو هیئت علمی نهاد پژوهشی
۲	مرد	دکتری سیاستگذاری عمومی	عضو هیئت علمی دانشگاه؛ مسئولیت در نهاد دولتی
۳	زن	دکتری توسعه و جنسیت	عضو هیئت علمی نهاد پژوهشی؛ مسئولیت در نهاد دولتی
۴	مرد	دکتری فلسفه و کلام اسلامی	عضو هیئت علمی دانشگاه
۵	زن	دکتری جامعه‌شناسی	استاد دانشگاه؛ مشاور امور زنان در نهاد دولتی
۶	زن	دکتری جامعه‌شناسی	عضو هیئت علمی دانشگاه (استادیار)
۷	زن	دکتری فقه و حقوق	عضو هیئت علمی نهاد پژوهشی
۸	زن	دکتری جامعه‌شناسی	عضو هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)
۹	زن	کارشناسی جامعه‌شناسی	فعال مدنی- رسانه‌ای

با توجه به کیفی‌بودن پژوهش، جهت تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، از نظام کدگذاری نظریهٔ زمینه‌ای بهره گرفته شده است. متن مصاحبه‌ها بر اساس حوزهٔ محتوایی و تشخیص شباهت و تفاوت گفته‌ها کدگذاری، استخراج و خلاصه شدند و هر مصاحبه، قبل از مصاحبه بعدی، کدگذاری شده است. استراوس و کوربین فرآیند کدگذاری را به سه مرحله کـدگذاری بـاز،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

محوری و انتخابی تقسیم کرده‌اند و فرآیند تحلیل از کدگذاری باز آغاز شده است و در حالت ایده‌آل به کدگذاری انتخابی ختم خواهد شد. رسیدن به کدگذاری انتخابی و تدوین نظریه برای تمامی پژوهش‌هایی که به این شیوه انجام می‌شوند ضروری و یا ممکن نیست و می‌توان کار را در مرحلهٔ ارائهٔ مفاهیم و تجزیه و تحلیل آنها به پایان رساند (استراوس، کوربین، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

در پژوهش حاضر با مطالعهٔ دقیق سطر به سطر متن مصاحبه، به هر واحد مفهومی، کدی اختصاص داده شد. با حذف مفاهیم تکرارشده در مصاحبه‌های مختلف، مقایسهٔ مفاهیم براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها و طبقه‌بندی آنها و اختصاص نام براساس محتوای مفاهیم، ادامهٔ بازبینی، مقایسه و ادغام مقولات در طبقه‌های بزرگ‌تر و درنظرگرفتن مفاهیم انتزاعی‌تر برای نام‌گذاری طبقات انجام شده است. حاصل کدگذاری محوری، دسته‌بندی مقولات بازنهایی حاصل از کدگذاری باز بر اساس روابط بین مقولات، در قالب مقولات انتزاعی‌تری با عنوان مقولهٔ محوری بوده است. به این ترتیب حاصل کدگذاری محوری، طبقه‌بندی نوزده مقوله بازنمایی در قالب سه مقوله محوری شامل «جایگاه عدالت جنسیتی در سیاستگذاری»، «چالش‌ها و موانع سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی»، «لوازم سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی» می‌باشد.

برای اعتمادپذیری پژوهش، معیارهای مختلفی برای ارزیابی کیفیت تحقیقات کیفی وجود دارد. یکی از معیارهای رایج، معیار اعتمادپذیری[1] یا قابلیت اعتماد لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) است که دربرگیرنده معیارهای باورپذیری[2]، انتقال‌پذیری[3]، اطمینان‌پذیری[4] و تأییدپذیری[5] می‌باشد. در پژوهش حاضر برای تضمین معیار باورپذیری تلاش شد، گردآوری و تحلیل داده‌ها فارغ از تعصب و دانسته‌های پیشین محقق انجام بگیرد و در مراحل مختلف پژوهش با افرادی که درگیر پژوهش نبوده‌اند، بحث و تبادل نظر شده‌است. همچنین رعایت حداکثر تنوع در انتخاب مشارکت‌کنندگان و بیان مشخصات شرکت‌کنندگان در راستای افزایش معیار انتقال‌پذیری بوده است. محقق برای اطمینان‌پذیری پژوهش مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها و مراحل مختلف کدگذای داده‌ها را توضیح داده است و تمام جزئیات مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها شامل متن مصاحبه‌ها، کدگذاری و مفاهیم و مقولات مربوط به هر مصاحبه، جداول خلاصه‌سازی مفاهیم در قالب مقولات و شواهد مربوط به هر مقوله مستندسازی شده است تا در صورت لزوم قابل پیگیری و بازبینی محققان دیگر باشد.

1. Trustworthiness
2. Credibility
3. Transferability
4. Dependability
5. Confirmability

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

در نهایت تلاش محقق برای خنثی بودن پرسش‌های مصاحبه و پرهیز از هدایت مشارکت‌کننده به پاسخگویی در مسیری خاص، دورماندن از پیش‌داوری‌ها و دانش قبلی در تحلیل داده‌ها و نیز ارائهٔ مجموعه‌ای غنی از داده‌ها در قالب شواهد مقولات ارائه شده در راستای افزایش معیار تأییدپذیری بوده است.

٤. یافته‌ها

گزارش یافته‌های پژوهش در سه بخش که منطبق بر سه مقولهٔ محوری حاصل از تحلیل داده‌های کیفی است تشریح خواهد شد. در پایان هر نقل قول کد مربوط به مصاحبه‌شونده (که در جدول مشخصات مصاحبه‌شوندگان تخصیص داده شده) ذکر شده است.

جدول ۲. مقولات فرعی و محوری

مقولات فرعی	مقولات محوری
- فقدان مصادیق بی‌عدالتی جنسیتی - بی‌عدالتی جنسیتی به مثابهٔ مسئلهٔ عمومی	۱. جایگاه عدالت جنسیتی در سیاستگذاری
- فقدان تعریف عدالت جنسیتی - فقدان وفاق - بی‌توجهی به اولویت‌های ملی و محلی - برنامه‌نویسی ضعیف - سیاست‌زدگی - حکومت‌زدگی - شکاف بین نهادهای پژوهشی و سیاستگذاری - ضعف در نظام داده و آمار - توسعهٔ ناموزون - تفاوت ادراک و احساس ذی‌نفعان	۲. چالش‌ها و مانع‌های سیاستگذاری برمبنای عدالت جنسیتی
- ارائهٔ تعریف و مصداق‌یابی - برنامه‌ریزی متناسب با هر منطقه - تأکید بر نقاط اشتراک - حساسیت جنسیتی - موازنهٔ حقوق و تکالیف - توجه به هر دو جنس - مشارکت زنان در سیاستگذاری	۳. لوازم سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی

٤- ۱. جایگاه عدالت جنسیتی در سیاستگذاری

مقولهٔ محوری «جایگاه عدالت جنسیتی در سیاستگذاری» شامل دو مقولهٔ باز «فقدان مصادیق بی‌عدالتی جنسیتی» و «بی‌عدالتی جنسیتی به مثابهٔ مسئلهٔ عمومی» است که بیانگر موضع‌گیری صاحب‌نظران به جایگاه عدالت جنسیتی در سیاستگذاری است. مقصود از مسئلهٔ بی‌عدالتی جنسیتی بررسی امکان ورود به اولین گام و مرحلهٔ سیاستگذاری عمومی (که تعریف مسئله و بعد از آن در دستور کار قرار گرفتن است) می‌باشد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

٤-١-١. «فقدان مصادیق بی‌عدالتی جنسیتی»: مخالفان مفهوم عدالت جنسیتی که مخالفت‌شان با ابهام و پارادوکس در مقصود تابلوداران عدالت جنسیتی است، مصادیق بی‌عدالتی جنسیتی را به مثابهٔ مسئله‌ای عمومی برای قرارگرفتن در دستور کار سیاستگذاری عمومی کافی نمی‌دانند:

> من بی‌عدالتی جنسیتی نمی‌بینم ..... من معتقد به بی‌عدالتی جنسیتی در جامعهٔ ایران نیستم ... بی‌عدالتی جنسیتی نسبت به زنان برای اینکه مسئله باشد مصادیق کمی دارد.... من هرجا را می‌بینیم بیشتر امتیاز را به خانم‌ها داده‌اند. در حوزهٔ سلامت، حوزهٔ رفاه. به زنان سرپرست خانوار پول می‌دهند اما به مردان نمی‌دهند. کلی امتیازات رفاهی برای خانم‌ها هست اما برای آقایان نیست ..... هم نهادهای بین‌المللی در گزارش‌هایشان دربارهٔ رتبه ایران در شکاف جنسیتی اشتباه می‌کنند و ما هم خودمان اشتباه می‌کنیم ... یک جاهایی به خانم‌ها ظلم می‌شود، نمی‌گویم نمی‌شود، مرد نامرد است، کتک می‌زند و ... مسئله شخصی است، باید برود دادگاه شکایت کند، یک بعدش شخصی است و یک بعدش هم عرفی است، تاریخی و فرهنگی است (۲).
>
> از اول محفلی مفهوم عدالت جنسیتی را مطرح کردند، الان هم یک محفل دنبالش هست. هیچ‌وقت حرف بدنهٔ جامعه نبوده است. دختر و زن داخل کوچه و خیابان که نمی‌آیند بگویند عدالت جنسیتی. اگر بروید سراغ دختر کوچه و خیابان می‌گوید آزادی، اشتغال، حق تصمیم‌گیری دربارهٔ لباس، ... یک محفلی می‌آید روی این مطالبات مفهوم می‌گذارد، حق هم دارد بگذارد، من هم مفهوم می‌گذارم، دیگری هم حق دارد بگذارد، بحثم این است که وقتی می‌گویید عدالت جنسیتی دو مفهوم محوری را بازتاب می‌دهد. یکی برابری جنسیتی که من می‌گویم برابری جنسیتی نه موجه است در جامعهٔ ما و نه ممکن ... خود جامعه زنان هم برای خیلی از این چیزها یا آمادگی‌اش را ندارند یا مسئله‌شان نیست (۴).

٤-١-٢. «بی‌عدالتی جنسیتی به مثابهٔ مسئلهٔ عمومی»: صاحب‌نظران مصادیق مختلفی از بی‌عدالتی جنسیتی مطرح کرده‌اند که مبین مسئله‌بودن بی‌عدالتی جنسیتی است و ضرورت در دستور کار قرارگرفتن استراتژی عدالت جنسیتی را نشان می‌دهد. مصادیق «بی‌عدالتی جنسیتی به مثابهٔ مسئلهٔ عمومی» در سه دسته، «فراگیری احساس بی‌عدالتی جنسیتی در زنان»، «بی‌عدالتی جنسیتی در خانواده»، «بی‌عدالتی جنسیتی در اجتماع» قرار می‌گیرد.

«فراگیری احساس بی‌عدالتی جنسیتی در زنان» حکایت از احساس و ادراک بی‌عدالتی جنسیتی به طور فراگیر در زنان می‌کند، به نحوی که برای پیشگیری از اثرات مخرب این احساس، پرداختن به عدالت جنسیتی در سیاستگذاری‌ها و ورود به این مسئله را می‌طلبد:

> «این پیش فرض وجود دارد که آن‌قدر فضا مردانه است که مردان اصلاً احساس نابرابری نمی‌نمایند. و اصلاً از مردان پرسیده نمی‌شود. اما کمتر اتفاق می‌افتد از یک

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

زن به خصوص تحصیل‌کرده بپرسید که آیا احساس نابرابری داری و جواب مثبت نباشد (۶)».

«بی‌عدالتی جنسیتی در خانواده» بخشی به بی‌عدالتی جنسیتی ناشی از قوانین مدنی مربوط به خانواده و روابط زناشویی اشاره دارد:

من قوانینی که می‌گوید زن حق طلاق ندارد مگر برود عسر و حرج را ثابت کند قبول ندارم. این خلاف حقوق انسانی من است. اینکه اگر شوهر تصمیم گرفت که زن شاغل نباشد، می‌تواند برود به رئیس زنش بگوید من راضی نیستم که زنم شاغل باشد و رئیس موظف است که زن را بیرون کند، این درست است؟!؟ (۵).

و بخشی به سنت‌های ناعادلانه در تقسیم کار در خانواده و بهره‌مندی و برخورداری از آورداقتصادی در خانواده اشاره دارد:

«همه کارها را زنان می‌کردند، مردان کنار دیوار نشسته بودن و چوپوق می‌کشیدند، زنان قالی می‌بافتند، بچه‌داری می‌کردند (۹)».

اشاره به مصادیق «بی‌عدالتی جنسیتی در خانواده» تنها محدود به بی‌عدالتی‌های جنسیتی ناشی از سنت و قانون نیست و در مواردی به بی‌عدالتی‌های جنسیتی ناشی از اقتضائات زندگی در دوران مدرن در خانواده‌ها اشاره شده است:

«دختران در خانواده‌ها خیلی محترم‌تر از قبل هستند. ولی به موازات آن یک سری آسیب‌ها که اختصاص به این دوره از شرایط مدرن دارد هم آمده است. همه منشأش دولت‌ها و حکومت‌ها و ساخت داخلی نیست» (۱)».

در مصادیق «بی‌عدالتی جنسیتی در اجتماع» برای نمونه عرصهٔ آموزش و تحصیل، به عنوان سطحی از سطوح فعالیت اجتماعی، همچنان مبتلا به بی‌عدالتی جنسیتی عنوان شده است:

«حوزهٔ آموزش زنان تا دبیرستان دست نخورده است. در دانشگاه دستکاری کردیم، سهمیه‌بندی جنسیتی گذاشتیم، با افتخار در مجلس سرمان را بالا گرفتیم و سهمیه بندی جنسیتی درست کردیم (۳)».

همچنین به بی‌عدالتی جنسیتی در جایگاه شغلی و اجتماعی اشاره شده است:

مثلاً زنی شرایط و توانایی برای بازپرس‌شدن را دارد اما در عمل این اتفاق نمی‌افتد، از قضات زن بپرسید، همه‌شان این را از مصادیق ظلم و بی‌عدالتی می‌دانند. مردان مدارج را بالا می‌روند و دادرس می‌شوند اما من چون زنم در نهایت بتوانم بازپرس شوم و نمی‌توانم دادرس شوم. حداقل خودم در تحصیل و هم در اشتغال و هم در ادامهٔ مدارج در حوزه به‌دلیل بی‌عدالتی جنسیتی خیلی آسیب دیدم! (۷).

بی‌عدالتی جنسیتی در مشارکت و قدرت سیاسی، مصداق دیگری از «بی‌عدالتی جنسیتی در اجتماع» می‌باشد:

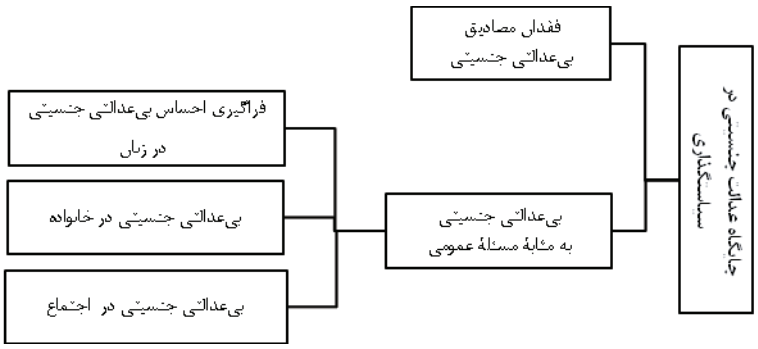
[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

همه امکانات و قدرت در دست مردان است و مردها اصلاً نمی‌خواهند زنان وارد بازی رقابت با اینها بشوند. می‌خواهند همهٔ پست‌ها در اختیار خودشان باشد. به همین دلیل چند تا زن می‌خواهند که مطیع اینها باشند. در دههٔ هفتاد دخترشان یا زنشان یا خواهرشان را می‌آوردند، یعنی از این جیب درمی‌آورند می‌گذاشتند آن جیب، بعد یک خرده دایره باز شد از احزاب و باند سیاسی‌شان ... فرقی نکرد به حال زنان ملت ... وقتی ابزارها و بسترها ایجاد نمی‌شود یعنی ظلم در حق زن انجام شده است. مثلاً همهٔ ابزارهای قدرت از پول تا صندلی‌های قدرت دست مردان است. راه‌ها بر روی زنان بسته است و ابزارها را ندارند. اینها دقیقاً یعنی ظلم (۹).

مصداق آخر «بی‌عدالتی جنسیتی در اجتماع»، مربوط به بی‌عدالتی جنسیتی موجود در فضا و مکان‌های عمومی است:

مثلاً موردی که عدالت جنسیتی رعایت نشده، فضای شهر را که ببینید، فضای مردانه‌تری است. ملاحظات جنسیتی را نمی‌بینید. چون مدیران و سیاستگذاران بیشتر مردان هستند، اصولاً این حساسیت در ذهنشان شکل نگرفته (۸).



شکل ۱. مقولهٔ«جایگاه عدالت جنسیتی در سیاستگذاری» و زیرمقولات

٤- ۲. چالش‌ها و مانع‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی

مقولهٔ محوری «چالش‌ها و مانع‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی» دربرگیرندهٔ مقولات بازی هستند که به تبیین چالش‌ها و مانع‌هایی می‌پردازند که تاکنون در مسیر سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی وجود داشته و دارند و نیاز به تمهیدات به طور جدی به چشم می‌خورد. در این محور، اتفاق نظر نخبگان مصاحبه‌شونده و پرشمارتربودن مصادیق ذکرشده از طرف آنها را ملاک اولویت قرار داده و بر این اساس و ترتیب به تشریح هریک از این چالش‌ها و مانع‌ها با ارجاع به گوشه‌ای از داده‌های به‌دست‌آمده پرداخته شده است:

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

٤-٢-١. فقدان تعریف عدالت جنسیتی

«فقدان تعریف عدالت جنسیتی» اولین مانع اساسی در سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی است. ارائهٔ تعریف از این مسئله به عنوان مسئله‌ای که در دستور کار قرار گرفتن آن ضرورت دارد، گام اول در فرآیند سیاستگذاری است.

> «مفهومی نیست که تعریف‌شده و قطعی باشد و بتوان گفت عدالت جنسیتی به صورت عینی این است و راجع به تبعات و سیاستگذاری آن صحبت کرد (۲)».
>
> «اگر نتوانید بگویید عدالت یعنی چه، مفهومی قابل سوءاستفاده است. مشکل ما این است که مفاهیم خوب و خواستنی می‌آیند، بدون اینکه معلوم شود چه از آنها اراده شده و چیز دیگری اراده می‌شود. (۴)».
>
> علی‌رغم اینکه غربی‌ها خیلی در دل بحث عدالت وارد شدند، فیلسوفان غرب منظورم هست، اما اندیشمندان دینی ما در عمق بحث عدالت نرفتند و بحث‌های راهبردی از آن در نیاوردیم. مثلاً عدالت اجتماعی و توزیعی و... روایات و بحث‌های خوبی داریم اما به تز یا به تعبیر درست، حرف مهندسی‌شده خوب که همه اضلاعش معلوم باشد تبدیلش نکردیم (۱).

٤-٢-٢. فقدان وفاق

«فقدان وفاق» شامل زیرمقولات فقدان وفاق در «مفاهیم و واژه‌ها»، «اولویت‌ها» و «شیوه‌های برنامه‌ریزی» است؛ از مهم‌ترین موانع پیش روی سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی است. زیرا سیاستگذاری مبتنی بر ارزش‌ها بدون اجماع و وفاق بر ارزش‌ها امکان‌پذیر نیست.

مناقشه‌ها و چالش‌های موجود بر سر واژه عدالت و چیستی و مختصات آن، از موانع سیاستگذاری «فقدان وفاق» می‌باشد:

> ما همیشه دعوایی در حوزهٔ زنان خودمان داریم و متأسفانه در ایران خیلی شدتش می‌دهیم. ما در کشورمان فهم مشترک از اولویت‌های حوزه زنان نداریم. حتی واژه‌ها و ادبیات حوزه زنان با ویژگی‌های کشورمان تناسب ندارد. همهٔ ما دور یک میز می‌نشنیم اما هیچ کدام‌مان حتی یک نقطه مشترک دربارهٔ واژه‌ها نداریم (۳).

عدم وجود اتفاق نظر در تعریف مفاهیم دیگری همچون خانواده (که در پرداختن به عدالت جنسیتی تأثیرگذار است) «فقدان وفاق» برای ورود به سیاستگذاری را تشدید می‌نماید:

> کسی که با برابری مخالف است، می‌گوید نگران بنیان خانواده هستم، تعریفش از خانواده چیست؟ تعریفش از خانواده این است که مرد صبح برود نان بیاورد خانه، زن هم بنشیند در خانه و بچه‌داری کند؟ این اسمش بنیان خانواده است؟! (۵).

از نمودهای دیگر «فقدان وفاق» که مانع تحقق عدالت جنسیتی در سیاستگذاری‌هاست، عدم توافق بر سر مسائل و مشکلات اولویت‌دار است. انقطاع و نبود پیوستگی در پرداختن به

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

مسائل و فقدان ثبات بر سر اولویت‌ها، به دلیل تغییر گفتمان دولت‌ها و کارگزاران و تخاصم گفتمان‌ها، از موانعی است که سیاستگذاری به طور عام و سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی به طور خاص با آن درگیر است:

«ما هیچ وقت صدایی واحد دربارهٔ مشکلاتمان برملا نکردیم. که بگوییم دست‌کم روی این پنج مسئله وفاق داریم و ارادهٔ جدی داریم این پنج مسئله را حل کنیم. مگر در رفع بی‌سوادی ارادهٔ جدی نداشتیم و برطرفش کردیم؟ نقاط وفاقمان را نمی‌یابیم (۱)».

در ذیل مقولهٔ «فقدان وفاق» به عدم اجماع و اتفاق در «شیوه‌های برنامه‌ریزی» و عمل نیز باید اشاره کرد. زیرا نبود ثبات در برنامه‌ها و رویکردها و بعضاً تناقض و تخاصم روش‌ها و رویکردها، سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی را با مانع روبه‌رو می‌سازد:

«در مقاطع مختلف می‌بینید یک سری اولویت‌های خاص یک دولت می‌آید بالا؛ با شیوه‌های خودش هم آن اولویت‌ها را دنبال می‌کند و در پایان هشت سال آن اولویت‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌ها تغییر می‌کند (۳)».

٤-۲-۳. بی‌توجهی به اولویت‌های ملی و محلی

عدم اولویت‌دادن و پرداختن به مسائل و مشکلات خاص هر منطقه که حاصل بی‌عدالتی جنسیتی است را از چالش‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی بیان می‌کند:

بی‌توجهی به مسائل خاص خودمان از چالش‌هاست. ما با عقل دیگران فکر می‌کنیم یعنی در جامعهٔ ایران وقتی وارد موضوعات زنان می‌شویم، گویی با مغز دیگران می‌خواهیم فکر کنیم. یک چیزی را پیش فرض گرفته‌اند که ایران عقب‌مانده است و بعد ما دنبال این هستیم که مصداق این را هرجور شده پیدا کنیم (۲).

«ما باید شاخص‌مان را برای خودمان بنویسیم. شاخص‌های عدالت جنسیتی را باید برای زنان در داخل بنویسیم با موضوعات خود زنان. عدالت جنسیتی یعنی هدف و راهکار و شاخص برای همین جامعهٔ اسلامی تعریف شود (۹)».

٤-۲-٤. برنامه‌نویسی ضعیف

از چالش‌های پیش‌روی سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی «برنامه‌نویسی ضعیف» مطرح شده که در مصداق این ضعف به طور خاص به برنامهٔ ششم توسعه اشاره شده است:

«اصلاً سیاست جنسیتی در جایی که مثلاً برنامهٔ توسعه و فرهنگی‌تان مغایر با آن منطقه است ممکن هست؟!؟ کجای فرآیند برنامه‌ریزی عدالت جنسیتی دیده شده است؟ این که یک بند در برنامهٔ ششم است که البته این برنامهٔ ششم اصلاً برنامه نیست و مشتی اصل است که پشت سرهم ردیف کرده‌اند، اصلاً خلاف علم برنامه‌ریزی تدوین شده (۵)».

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

مادۀ ۱۰۱ برنامۀ ششم توسعه دربارۀ عدالت جنسیتی صحبت می‌کند، وقتی می‌خوانیم آن‌قدر طولانی است و صدر و ذیل مفصلی دارد که گم می‌کنیم منظورش از عدالت جنسیتی چیست. وقتی فرد این را می‌خواند آن‌قدر گفته خانواده و بنیان خانواده و... موضوعات مختلفی را مطرح کرده که به نظر می‌خواهد بگوید منظور ما از عدالت جنسیتی تساوی و فمینیسم و اینها نیست. عملاً صدر و ذیل این ماده قانونی آن‌قدر زیاد است که ظاهراً اصل موضوع عدالت جنسیتی فراموش شده، آن‌قدر قید و بند زده شده است (۲).

فقدان حساسیت‌های جنسیتی در فرآیند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی تحقق عدالت جنسیتی را با چالش روبه‌رو می‌کند و تاکنون سطوح مختلف تأثیرگذار سیاستگذاری و برنامه‌ریزی به شناخت و آگاهی نسبت به عدالت جنسیتی نرسیده‌اند و از این رو حساسیت جنسیتی در برنامه‌ریزی‌ها مشاهده نمی‌شود:

وقتی دست‌اندرکاران عدالت جنسیتی را اصلاً نمی‌فهمند، چه توقعی از خود جامعه دارید. مسئولان نظام برنامه‌ریزی ما اصلاً پدیدۀ عدالت جنسیتی را نمی‌شناسند. مدیران سطوح بالای سیستم برنامۀ توسعۀ ما اصلاً پدیده عدالت، عدالت جنسیتی را نمی‌شناسند. خوش‌بینانه می‌گویم نمی‌شناسند و نمی‌گویم قبول ندارند. شاید مهم‌ترین مانع جدی ما عدم آشنایی نظام برنامه‌ریزی و نظام تصمیم‌گیری ما با بحث عدالت جنسیتی است و عدۀ زیادی اصلاً قبولش ندارند. عدالت جنسیتی را اصلاً نمی‌بینیم .... الان مشکل ما با نظام برنامه‌ریزی‌مان این است که اصلاً "حساس به جنسیت[1]" نیستند و اصلا نمی‌دانند چی هست. نه "برنامه‌ریزی جنسیتی[2]" می‌دانند چیست و نه "بودجه‌بندی جنسیتی[3]". یکی از مشکلات اصلی‌مان در برنامه‌های توسعه، سازمان برنامه و بودجه است. کارشناسانش آموزش ندیدند برای برنامه‌ریزی جنسیتی (۵).

٤-۲-۵. سیاست‌زدگی

مقولۀ «سیاست‌زدگی» شامل زیرمقولات «حرکت در راستای منافع و اندیشه‌های جریان سیاسی»، «سیاسی‌کاری در نهادهای قدرت»، «برچسب زدن و فقدان تحمل مخالف» است؛ مانعی برای سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی است که بیشتر صاحب‌نظران به تأثیر منفی آن در فرآیند سیاستگذاری اشاره کرده‌اند.

در نمود اول سیاست‌زدگی، پرداختن به بی‌عدالتی‌های جنسیتی نسبت به زنان موضوعی برای سوءاستفاده جریان‌های سیاسی برای حاکم‌کردن اندیشه‌های جریان خود می‌باشد و

1. Gender Sensitive
2. Gender Planning
3. Gender Budgeting

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

«حرکت در راستای منافع و اندیشه‌های جریان سیاسی» مانعی برای تحقق عدالت جنسیتی و سیاستگذاری برای همه طیف‌هاست:

> برعکس همهٔ کشورها موضوع زن و خانواده برایمان موضوعی سیاسی است. به‌خاطر همین خیلی دچار قبض و بسط است. افراد بیشتر می‌خواهند خودشان و اندیشه‌ها و قواعد مورد علاقه‌شان را تثبیت کنند. خیلی بر اساس اندیشهٔ رفع ستم و برقراری عدالت کار نمی‌کنند (۱).

نمود دیگر سیاست‌زدگی، غلبهٔ ویژگی سیاسی‌بودن و حزبی‌بودنِ فعالان و صاحبان قدرت در سیاستگذاری‌های جنسیتی، بر توانایی‌ها و تخصص و تجربه‌شان در این حوزه می‌باشد و از این روی «سیاسی‌کاری در نهادهای قدرت» تبدیل به مانعی برای سیاستگذاری مطلوب شده است:

> «دو، سه تا مسئله داریم، خیلی شفاف بگویم، بیش از اندازه حوزه زنان را به حوزهٔ سیاست به معنای پولتیک[1] پیوند زدیم. کسانی وارد این حوزه شدند و موضع‌گیری می‌کنند که خیلی وجهه سیاسی‌شان می‌چربد به چهرهٔ علمی اجرایی (۳)».

بعد دیگر «سیاست‌زدگی» که مانعی برای نیل به وفاق و در نتیجه دستیابی به سیاست‌های کارآمد است «برچسب‌زدن و فقدان تحمل مخالف» است که با انگیزهٔ از دورخارج‌کردن جریان‌های فکری سیاسی رقیب انجام می‌شود و بدین‌ترتیب بر مناقشات موجود می‌افزاید:

> همهٔ زنان از همهٔ جریان‌های فکری را در برنامه آوردم. نخبگانی که در حوزهٔ زنان کار فکری، تحقیقی، نظری کرده و یا نوشته بودند، مهمان ما بودند. چند برنامه که رفتیم، گفتند برنامهٔ فمینیستی است... چهار و پنج بعدازظهر بود و ساعت پربیننده هم نبود... برنامه‌های من با برچسب فمینیستی‌بودن جریان‌های افراطی زود از من گرفته می‌شد» (۹).

٤-۲-۶. حکومت‌زدگی

مقولهٔ باز «حکومت‌زدگی» بیانگر پرداختن بیش از حد به نقش حاکمیت در موضوع عدالت جنسیتی است و برخی صاحب‌نظران این مورد را چالشی در سیاستگذاری قلمداد کرده‌اند که باعث مغفول‌ماندن ابعاد دیگر می‌شود:

> بیش از پیش ما حکومت زده هستیم ..... زود می‌رویم سراغ قدرت سیاسی. فکر می‌کنیم که از راه قدرت سیاسی می‌شود خیلی از مسائل را حل کرد. یا فکر می‌کنیم حتماً باید به قدرت سیاسی برسند. ما مخالفتی نداریم ولی این مقوله عدالت جنسیتی قدرت‌زده است. بیمار قدرت است. عدالت جنسیتی مقولهٔ قدرت‌زده‌ای است و واقعی نیست. و چون قدرت‌زده است معمولاً هم دستآویز قدرت‌های سیاسی بزرگ است. بی‌عدالتی یک مفهوم سیاسی صرف نیست. خیلی گسترده است. به ذهنیت‌های آدم‌ها بستگی دارد، به افکار آدم‌ها بستگی دارد، به خیلی موضوعات دیگر که ضرورتاً همه‌شان

1. Politic

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

سیاسی نیستند بستگی دارد. ولی اینکه این را محدود می‌کنیم به مسئلهٔ قدرت این خودش یک خطای روش‌شناسی[1] است (۲).

٤-۲-۷. شکاف بین نهادهای پژوهشی و سیاستگذاری

چالش دیگری که فرآیند سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی با آن روبه‌رو می‌باشد، در قالب مقولهٔ باز «شکاف بین نهادهای پژوهشی و سیاستگذاری» بیان شده و در مواردی ایجاد این شکاف مخرب از طرف نهادهای سیاستگذاری مطرح شده است:

«برای دانشگاهیان در سیاستگذاری نقشی قائل نیستند. حتی دانشگاه تهران که تصور این هست که برای سیاستگذاری به آن رجوع می‌شود؛ اما رجوعی وجود ندارد. نقش مشاور دارند. اما سیاستگذاری را با آنها مطرح نمی‌کنند» (۸)».

و در مواردی هم تعمیق این شکاف علاوه بر نقش نهاد سیاستگذاری، متوجهٔ پژوهشگران و نخبگان فکری دانسته شده است:

نهادهای پژوهشی و حوزوی انسجام ندارند ..... کسی تلاش و سعی برای ارائهٔ تعریف مطلوب ندارد که سیستم بر مبنای آن پیش رود. پژوهشگاه‌ها و صاحب‌نظران و فعالان چه عملکردی داشتند؟ انقلاب اسلامی تصویر جدیدی از زن ارائه داد و به دنبال عدالت بود، تئوری‌پردازها و مدعیان انقلاب اسلامی برای اجرایی و عملیاتی‌کردن عدالت جنسیتی در کجا حضور داشتند؟ نخبگان فکری و کارشناسان چه کار کردند برای اینکه عدالت که مبنای اسلام و انقلاب اسلامی است در جامعه دیده شود؟ برای برقراری عدالت جنسیتی چه کار کردند؟ از لحاظ نظری، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری، نقشه راه و استراتژی، راهبرد، راهکار. من مقصر اصلی را این خبرگان فکری و نظری می‌دانم، گناه اصلی با کسانی است که می‌دانند (۹).

٤-۲-۸. ضعف در نظام داده و آمار

برای سیاستگذاری‌های دقیق و هدفمند نیاز به آمار و اطلاعات دقیق به تفکیک جنسیت در همهٔ ابعاد و سطوح وجود دارد که عدم توجه به این نیاز تاکنون، سیاستگذاری‌های جنسیتی با هدف تحقق عدالت را با چالش مواجه نموده که به شرح این موضوع در مقولهٔ باز «ضعف در نظام داده و آمار» پرداخته شده است:

اولویت‌ها به درستی شناسایی نمی‌شوند، برای اینکه در کشور ما نظام داده و آمار به درستی عمل نمی‌کند. تمام سیاست‌مداران و مدیران و برنامه‌ریزان وقتی می‌خواهند صحبت کنند باید با آمار و داده حرف بزنند ..... نظام آمار و داده در کشور ما سلیقه‌ای است.....خیلی از آمارها اشتباه محاسبه می‌شوند. خیلی از آمارها باید دوباره شاخص‌سازی شوند و شاخص ترکیبی با آن ساخته شود. خیلی از اینها باید در پهنهٔ

1. Methodological

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

کشور گذاشته شود و در پهنه کشور دیده شود که شکاف‌ها کجاست. پس بنابراین ما یک دادهٔ متمرکز نداریم (۳).

٤-۲-۹. توسعهٔ ناموزون

عدم توجه یکسان و متناسب به ابعاد کلان عدالت جنسیتی شامل اقتصاد و آموزش و سلامت و مشارکت سیاسی، پیامدهای منفی برای جامعه به همراه داشته است و سیاستگذاری منتهی به توسعهٔ ناموزون ابعاد عدالت جنسیتی می‌شود و چالش‌های موجود را تشدید می‌کند:

> عرصهٔ آموزش عالی برای زنان گسترده شده ولی حضورشان در اشتغال به همان نسبت گسترش نیافته است و این عدم توازن آسیب‌هایی را به‌وجود می‌آورد. .... این آسیب‌زننده است و سرخوردگی و افسردگی و اختلالات روانی ایجاد می‌کند. اجازه دادیم زنان تحصیل کنند اما اجازه نمی‌دهیم حاصلش در فضای رسمی و اشتغال متبلور شود (۸).

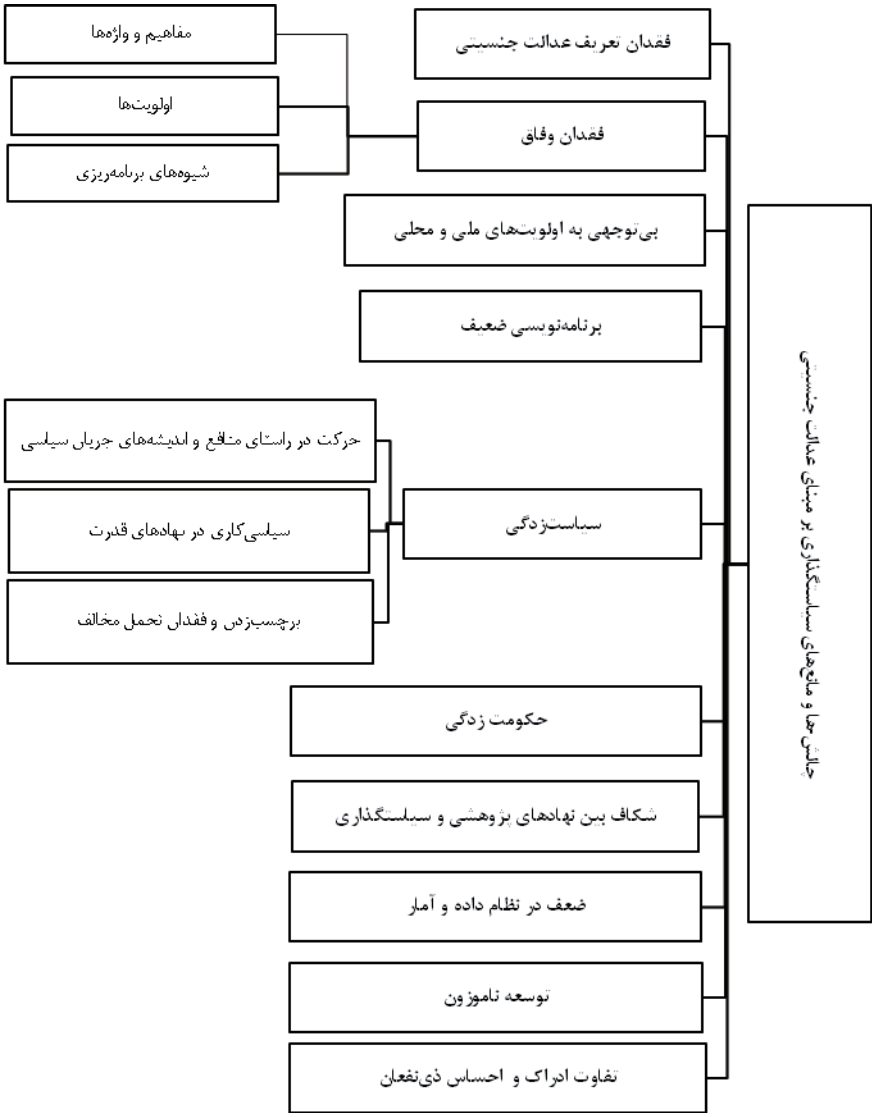
٤-۲-۱۰. تفاوت ادراک و احساس ذی نفعان

«تفاوت ادراک و احساس ذی نفعان» بیانگر این موضوع است که در بین جامعه هدفِ سیاستگذاران، احساس بی‌عدالتی جنسیتی متفاوت درک می‌گردد و تکثر نوع نگاه زنان و مردان به مسائل مرتبط به جنس‌شان، سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی را با چالش مواجه می‌سازد:

> زنان دو گروه هستند. فمینیست‌ها و مخالفین‌شان. یعنی تفاوت بین خود زنان بالاست. مثل همین حجاب. بسیاری از خود زنان با زنانی که حجاب را برمی‌دارند مقابله می‌کنند. یا در زمینهٔ اشتغال ..... وقتی از زنان سیستان می‌پرسیدند آیا همسرتان شما را می‌زند، زنان می‌خندیدند و می‌گفتند مردی که نزند مرد نیست و حتماً من هم کاری کردم که مرا می‌زند. تفاوت در تعریف از ظلم و خشونت در بین زنان وجود دارد. تفاوت در برداشت‌ها هم در روند عدالت جنسیتی تأثیر دارد (۶).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]



شکل ۲. مقوله «چالش‌ها و موانع سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی» و زیرمقولات

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

٤- ٣. لوازم سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی

در بخش آخر گزارش حاصل از تحلیل داده‌ها هر یک از مقولات بازی که در ذیل مقولهٔ محوری «لوازم سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی» قرار می‌گیرد را با ارجاع به گوشه‌ای از داده‌های موجود به ترتیب زیر تشریح می‌نماییم:

٤-٣- ١. ارائهٔ تعریف و مصداق‌یابی

وقتی موضوعی به عنوان مسئلهٔ عمومی در دستور کار سیاستگذاری عمومی قرار می‌گیرد، اولین گام ارائهٔ تعریف مسئله در فرآیند سیاستگذاری است. سیاستگذاری مبتنی بر عدالت جنسیتی نیز نیازمند ارائهٔ تعریف از عدالت جنسیتی می‌باشد:

> باید تعریف کرد عادلانه‌شدن یعنی چه؟ باید دید چه چیزی باعث می‌شود که مرد یا زن به‌خاطر جنسیت‌شان امتیاز بیشتر یا کمتری دریافت کنند... باید سیاستگذاری فرهنگی برای این موضوعات انجام شود. مشروط بر اینکه تشخیص دهیم دقیقاً یعنی چه و کجاست و حرف‌های کلی نزنیم (٢).

مصداق‌یابی و مسئله‌شناسی بی‌عدالتی جنسیتی، احصای بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های جنسیتی از ضرورت‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی است و یافتن مصادیق بی‌عدالتی جنسیتی، تسهیل‌گر تعریف مسئله و تعیین هدف در سیاست‌هاست:

> «اگر دنبال عدالت بودیم، و عدالت می‌شود رفع ظلم، باید بگردیم ظلم‌های پایه‌ای و اساسی را بیابیم و رفع کنیم که خیلی‌هایش شاید رؤیت نشود (١)».

٤-٣-٢. برنامه‌ریزی متناسب با هر منطقه

«برنامه‌ریزی متناسب با هر منطقه» حاکی از این مطلب است که لحاظ‌کردن اقتضائات محلی و بومی در سیاستگذاری‌های عمومی برای تحقق عدالت جنسیتی لازم و ضروری است و بدون درنظر گرفتن شرایط هر جامعه‌ای، سیاست‌ها در مرحلهٔ اجرا موفقیت‌آمیز نخواهد بود:

> «هم به اولویت‌های ملی‌مان نگاه کنیم. هم به اولویت‌های محلی‌مان نگاه کنیم. زنی که در ورامین زندگی می‌کند با زنی که در یکی از روستاهای زابل زندگی می‌کند، درست است که هر دو روستایی طبقه‌بندی می‌شوند ولی به شدت متفاوت هستند (٣)».

همچنین براساس نظرات مصاحبه‌شوندگان، توجه به امکانات و زیرساخت‌های هر منطقه در سیاستگذاری‌های مبتنی بر عدالت جنسیتی باید مورد توجه قرار گیرد.

حضور مستقیم و شناخت فرهنگ‌های مختلف برای اتخاذ سیاست‌های مناسب ضروری است. لحاظ‌کردن تأثیر تکثر و تنوع فرهنگ‌ها در مناطق مختلف از ضرورت‌های سیاستگذاری جنسیتی است:

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

کارشناسان برای حضور در مسئلهٔ زنان باید با میدان زنان ارتباط داشته باشند. نمایندهٔ اکثریت زنان جامعهٔ ما باشند. نه در انتخابات، در فهم و شناخت مسئله. مسئلهٔ زنان را متکثر ببینند و متکثر فهم نمایند. یعنی مسئلهٔ زن طبقهٔ متوسط، مسئلهٔ زن زاهدانی نیست. دانشجویی دارم که برای پژوهش دربارهٔ قوم بلوچ رفته و با قوم بلوچ در حال زندگی است. اوست که در این زمینه صلاحیت دارد حرف بزند. اولاً درد داشته و دوماً رفته داخل میدان. او حق سیاستگذاری برای آن میدان دارد. متکثر باید دید (۴)».

«گروهی هم نیاز داریم که آنها بتوانند آسیب‌شناسی کنند و در حلقهٔ نظارت کمک کنند. از پایین به بالا. نه اینکه بالا بگوید الان سازمان ملل می‌گوید اینکار را بکنید و دو تا مسئله، مسئله‌های امسال هستند و اینها هم بگویند پس این دو تا مسئله، مسئلهٔ امسال هستند. مسائل ما چیست؟ مسائل بومی ما چیست؟ از پایین بگوید مسائل ما چیست (۱).

٤-۳-۳. تأکید بر نقاط اشتراک

سیاستگذاری بدون رسیدن به وفاق در ارزش‌ها امکان‌پذیر نیست و مقولهٔ «تأکید بر نقاط اشتراک»، به ضرورت پررنگ‌کردن نقاط وفاق در مسئله‌ها و اولویت‌ها و تعریف‌ها و روش‌ها در سیاستگذاری مبتنی بر عدالت جنسیتی اشاره دارد:

«در مسئلهٔ سیاستگذاری یک موضوع مهم وجود دارد و اینکه سیاستگذاری نمی‌رود روی آرمان‌ها، سیاستگذاری می‌آید روی حداقل‌ها. حداقل‌های اجماعی. یعنی ما باید اجماع داشته باشیم (۴)».

٤-۳-٤. حساسیت جنسیتی

وجود حساسیت جنسیتی در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی، برای تحقق عدالت جنسیتی در سیاستگذاری عمومی لازم است:

کسانی که نگاه جنسیتی دارند، علی‌الاصول در نوشتن سیاست‌ها، اصل دسترسی و برخورداری برابری زن و مرد را لحاظ کنند و به این ترتیب بنویسند. مهم این است که در تدوین آن سیاست‌ها اصل دسترسی و برخورداری برابر زن و مرد دیده شده باشد ..... متخصصان سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنستی، هم می‌توانند مرد باشند و هم زن. مهم این است که عدالت جنسیتی را بفهمند (۵).

٤-۳-۵. موازنهٔ حقوق و تکالیف

سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی، وظیفهٔ ایجاد تعادل بین حقوق و تکالیف مربوط به هر یک از دو جنس را بر عهده دارد.

موازنهٔ حق و تکلیف را به رسمیت بشناسیم ..... جایی که شما تکلیف نابرابر دارید، باید حق نابرابر هم داشته باشید. نه نابرابر، متوازن و عادلانه ..... من عدالت را به معنای

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

موازنه بین حق و تکلیف در هر جامعه می‌دانم . آن هم عدالت به معنای عمل حاکمیت. عدالت کنشگران معنای دیگری دارد (۴).

در ذیل این مقوله می‌توان به ویژگی دیگر سیاستگذاری مبتنی بر عدالت جنسیتی، یعنی ایجاد توازن و تعادل بین حقوق هر جنس در سطوح مختلف (حقوق اساسی، حقوق موقعیت، حقوق فردی و اجتماعی و...) با یکدیگر اشاره کرد:

سیاستگذار باید موازنه برقرار کند بین حقوق اساسی و حقوق موقعیت. یعنی من اولاً و بالذات یک انسان هستم، ثانیاً و بالعرض یک زن هستم. نباید حقوق معطوف به جنسیت من مزاحم حقوق اساسی من باشد. مثل حق مشارکت سیاسی، حق انتخاب لباس، حق اشتغال و حق مسکن و... . در عین حال سیاستگذار باید بتواند موازنه‌ای بین حقوق فرد و جامعه برقرار کند. انتقادی که به لیبرال‌های اولیه وارد می‌شود این است که آن‌قدر به حقوق فرد تأکید می‌کنند که گویی جامعه هیچ حقی ندارد و فرد در برابر جامعه هیچ مسئولیتی ندارد. ما در عین اینکه یک سری حقوقی داریم به دلیل اینکه در جامعه زندگی می‌کنیم، جامعه می‌تواند حقوق فردی ما را مقید کند. اما نه دربارهٔ حقوقی که شریعت ارائه کرده است. جامعه می‌تواند حتی حقوق وضعی مدرن را بین زن و مرد متفاوت کند تا بتواند به ایدهٔ اصالت الاجتماع و حق جامعه هم تمکین کند. اگر یک سیاستگذاری بتواند همه این‌ها را با هم متعادل یا همساز کند، این سیاستگذاری در حوزهٔ جنسیت موفق خواهد بود (۴).

٤-۳-۶. توجه به هر دو جنس

مقولهٔ «توجه به هر دو جنس»، تأکیدی بر این مهم است که عدالت جنسیتی، تنها مربوط به بی‌عدالتی‌های نسبت به زنان نیست و هر نوع بی‌عدالتی و محرومیت برآمده از جنس را شامل می‌شود و سیاستگذاران باید به هر دو جنبه توجه نمایند و در غیر اینصورت سیاستگذاری عادلانه‌ای صورت نمی‌گیرد:

سیاستگذاران برای همه باید فضای مشارکت سیاسی مهیا کنند، هر جنسی خودش را در جای جنس دیگر قرار دهد و بعد تصمیم بگیرد .... اخیراً گزارشی دیدم که نوشته بود تعداد مردانی که از زن‌های‌شان کتک خورده‌اند ۵۰۰۰ نفر هستند، همین آقایان می‌گویند عدالت جنسیتی دربارهٔ ما رعایت نمی‌شود، خانم‌ها ما را زدند، می‌رویم دادگاه به ما می‌خندند، تحقیر اجتماعی هم شدیم، پس ما دچار بی‌عدالتی شدیم (۲).

عدالت جنسیتی می‌تواند دربارهٔ مردها هم صادق باشد اما چون اغلب زنان هستند که دچار این عقب‌ماندگی‌ها شدند، همه تصور می‌کردند عدالت جنسیتی یعنی عدالت به نفع زنان. اما عدالت جنسیتی یعنی هر دو. هر پدیده‌ای را که تصور کنید، اگر یکی از دو جنس به هر دلیلی عقب نگه داشته‌شده یا عقب مانده، معنی‌اش این است که ما در آن زمینه یا در آن حوزه باید به دنبال عدالت برویم .... اگر من حق طلاق، حق مسکن،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

حق تحصیل، حق اشتغال دارم، آقا هم باید داشته باشد، او هم باید حق طلاق، حق مسکن، حق تحصیل، حق اشتغال داشته باشد (۵).

به‌طور کلی در مطالب مطرح‌شده در خصوص توجه به هر دو جنس در سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی و هدف قرار دادن هر دو گروه مردان و زنان، دو هدف مطرح شده است. اول رفع تبعیض‌هایی که مردان و زنان، هردو به خاطر مرد یا زن بودن با آن درگیر هستند و دوم رفع ستم از هر جنسی نیاز به آگاه کردن جنس مقابل نیز دارد.

٤-۳-۷. مشارکت زنان در سیاستگذاری

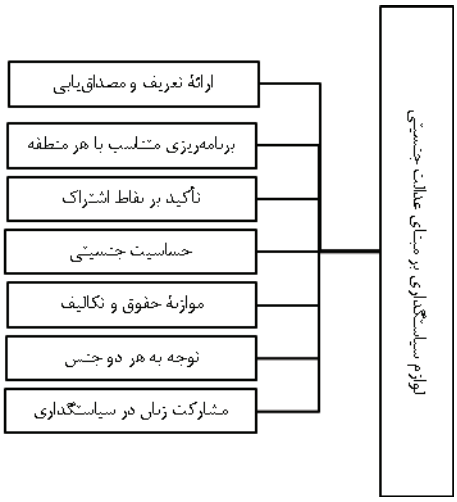
در فضای موجود با توجه به غلبهٔ مردسالاری برای سیاستگذاری موفق مبتنی بر عدالت جنسیتی نیاز به افزایش مشارکت زنان در نهادهای سیاستگذاری است که در قالب مقولهٔ «مشارکت زنان در سیاستگذاری» تبیین شده است:

خوب است ما بتوانیم به تربیت بانوانی اقدام کنیم که بتوانند از لحاظ حرفه‌ای وارد حکومت بشوند. برای این باید برنامه درازمدتی داشته باشیم. همان اوایل به خانم مولاوردی گفتم. گفتم اگر شما بتوانید ۵۰۰ نفر خانم را برای حکومت آموزش‌های ویژه‌ای بدهید، از این ۵۰۰ نفر احتمالاً چیزی حدود ۵۰ نفرشان وارد عرصه‌های مختلف مدیریتی می‌شوند. اینطور نیست که همه ۵۰۰ نفر مدیر بشوند. آموزش‌هایی داده شود و از بین‌شان بهترین‌ها انتخاب شوند. اگر بتوانند در این آموزش‌ها، آموزش سیاستگذاری و حقوق اداری و... بگذارند فکر می‌کنم مناسب باشد. ۴۰۰ ـ۵۰۰ نفر آموزش می‌دهند و به تدریج این‌ها وارد حکومت می‌شوند (۲).

«باید سهم زنان برای مجلس جدا شود. یعنی زنان با زنان بتوانند رقابت کنند. ما به این لایحه احتیاج داریم که زنان با زنان رقابت کنند. اگر سی نفر از تهران قرار است انتخاب شود، بیست نفر سهم مردان باشد و ده نفر سهم زنان. که زنان با زنان رقابت کنند (۹)».

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]



شکل ۳. مقولهٔ «لوازم سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی» و زیرمقولات

۵. بحث و نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی «فقدان تعریف عدالت جنسیتی» می‌باشد. عدالت، ایده‌آل و آرمانی است که همه خواستار آن هستند اما امکان تفسیرهای گوناگون از آن است و اکنون با انفجار گفتمانی دربارهٔ عدالت مواجه‌ایم. این موضوع برای سیاستگذاری که مرحلهٔ اول آن تعریف مشکل و مسئله است ایجاد چالش می‌کند.

دومین چالش، «فقدان وفاق» در سه محور «مفاهیم و واژه‌ها»، «اولویت‌ها» و «شیوه‌های برنامه‌ریزی» است. همچنان عدم اجماع در تعریف واژه‌های گوناگون در سیاستگذاری حوزهٔ زنان شدت دارد و واژگانی همچون عدالت، برابری، خشونت یا امنیت، خانواده و عفاف و.... مناقشاتی را به همراه دارد. از آن جایی که سیاستگذاری بازتاب ارزش‌های جامعه است و فقدان اجماع در هر حوزه‌ای مانعی در مسیر سیاستگذاری در آن باره است، به نظر می‌رسد مقوله «فقدان وفاق» چالش کلیدی و اساسی در سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی است. چنان که در جمع‌بندی کتاب *مجموع مقالات گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران (۱۳۹۴)* نیز دیده می‌شود: ضعف وفاق نخبگان و عدم وجود اجماع فکری دربارهٔ جایگاه زنان، چالشی جدی است.

چالش مهم دیگر در سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی، «سیاست‌زدگی» شامل «حرکت در راستای منافع و اندیشه‌های جریان سیاسی»، «سیاسی‌کاری در نهادهای قدرت»، «برچسب‌زدن و فقدان تحمل مخالف» است. در بحث ایجاد مانع و چالش با برچسب‌زدن و فقدان تحمل مخالف، همان‌طور که در پژوهش کرمی قهی (۱۳۹۱) آمده است گفتمان اصول‌گرا تلاش کرده است برنامه‌هایی را که توجه‌شان به مسائل زنان و فاصله‌گذاری میان مسائل

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

زنان و مسائل خانواده است را به آموزه‌های لیبرالیستی منتسب کند و با برجسته‌کردن مفهوم فردگرایی، به عنوان یکی از نشانه‌های فرهنگ مدرن و تهاجم فرهنگی غرب، عدالت جنسیتی را از اندیشه‌های ضد خانواده معرفی و تلاش کند آنها را به حاشیه براند. همچنین در پژوهش مارشال (۲۰۰۰) ـ که تحلیل گفتمانی در خصوص ارتقای سیاست عدالت جنسیتی در استرالیا می‌باشدـ مطرح شد که افراد مخالف با سیاست عدالت جنسیتی با کلماتی که باعث بدنام کردن و لطمه‌زدن به این نوع نگاه می‌شود، سعی در مدیریت این نوع گفتمان دارند.

«ضعف در نظام داده و آمار» از دیگر چالش‌های اساسی است. از مشکلات اصلی در برنامه‌ریزی براساس جنسیت، نقیصه‌های آماری برای ارزیابی وضعیت موجود است که در بررسی موقعیت زنان از مشکلات ساختاری محسوب می‌شود. ارائهٔ آماری منسجم و نظام‌مند ملی موجب خواهد شد تا علاوه بر سهولت تصمیم‌گیری برای اخذ استراتژی، نقاط بحرانی وضعیت زنان نیز به روشنی ظاهر شوند؛ لذا پرداختن به جمع‌آوری آمار هدفمند اولین قدم برای برنامه‌ریزی و از اصول زیربنایی به شمار می‌رود.

در مقابل چالش‌ها و مانع‌های ذکرشده در این پژوهش مجموعه‌ای از لوازم سیاستگذاری برمبنای عدالت جنسیتی به‌دست آمده است. توجه برنامه‌ریزان به هر دو جنس از ویژگی‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی است. این امر مستلزم رسیدگی به وضعیت و موقعیت هم زنان و هم مردان در جامعه است. عدالت جنسیتی استراتژی متمرکز فقط بر مردان یا زنان را منع می‌کند. عدالت با پیروزی زنان بر مردان یا بالعکس تأمین نخواهد شد. توازن، زمانی قابل دستیابی است که هر دو جنس با توجه به علایق، تمایلات، بهره‌وری و کارایی در فضای اجتماعی ظاهر شوند و نقش‌آفرینی کنند. توجه به وضعیت مردان و هدف قراردادن آنها در سیاستگذاری‌های مبتنی بر عدالت جنسیتی و برخوردار از حساسیت جنسیتی، عدالت را برای زنان نیز بیش از پیش تأمین می‌کند.

بی‌عدالتی جنسیتی به مسئله‌ای عمومی تبدیل شده و باید در دستور کار سیاستگذاری عمومی قرار گیرد. بین مردان و زنان مصاحبه‌شونده تفاوت موضع آشکاری وجود دارد. برخلاف مردان مصاحبه‌شونده، همهٔ زنان مصاحبه‌شونده بی‌عدالتی جنسیتی را به مثابهٔ مسئله‌ای عمومی قلمداد و به مصادیق مختلف از بی‌عدالتی جنسیتی و پیامدهای منفی حاصل از آن اشاره کردند که به معنای مسئله‌شدن این پدیده از دیدگاه آنهاست.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

منابع

آتشک، محمد (۱۳۹۱) «ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران»، *زن در توسعه و سیاست*، دورهٔ دهم، شمارهٔ ۴: ۱۲۷- ۱۵۱.

آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸) «عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، *مطالعات راهبردی زنان*، دورهٔ دوازدهم، شمارهٔ ۴۶: ۸۱ -۱۱۶.

آقاجانی، نصرالـله (۱۳۸۸) «چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی»، *مطالعات راهبردی زنان*، دورهٔ دوازدهم، شمارهٔ ۴۶: ۷ - ۴۸.

ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱) *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*، تهران: علم.

استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵) *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمهٔ ابراهیم افشار، تهران: نی.

اعزازی، شهلا (۱۳۸۵) *مجموعهٔ مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمهٔ حسن چاوشیان، تهران: نی.

پژوه، سیف‌الـله (۱۳۹۳) بررسی مفهوم عدالت جنسیتی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

پیت، ریچارد و هارت ویک (۱۳۸۴) *نظریه‌های توسعه*، ترجمهٔ مصطفی ازکیا و رضا صفری شالی، تهران: لویه.

رودگر، محمدجواد (۱۳۸۸) «عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری»، *مطالعات راهبردی زنان*، دورهٔ دوازدهم، شمارهٔ ۴۶: ۴۹-۸۰.

زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۴) «روی‌آورد فمینیسم به اقتصاد»، *مطالعات راهبردی زنان*، دورهٔ هشتم، شمارهٔ ۳۰: ۱۵-۴۹.

زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۵) «زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال هشتم، شمارهٔ ۳۳: ۹۸ - ۱۲۹.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱) *توسعه به مثابهٔ آزادی*، ترجمهٔ حسین راغفر. تهران: کویر.

شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱) *توسعه و چالش‌های زنان ایران*، تهران: قطره.

شادی‌طلب، ژاله (۱۳۹۴) «عدالت جنسیتی و گزاره‌های مبتنی بر اطلاعات نادرست»، همایش زنان، اعتدال و توسعه.

شفیعی، سمیه‌سادات و زهرا پورباقر (۱۳۹۴) «مطالعه جنسیتی شاخص‌های توسعه در اجرای برنامه چهارم»، *فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، دورهٔ سوم، شمارهٔ ۴: ۷۵- ۱۱۰.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

صفری شالی، رضا (۱۳۹۴) «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، دورهٔ ۲۲، شمارهٔ ۲: ۲۱۱ -۲۳۷.

عباس‌زاده، سعیده (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعهٔ کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی با تأکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی»، *پژوهش‌نامه زنان*، سال ششم، شمارهٔ اول: ۹۷-۱۳۰.

عبدالهی‌دمنه، صدیقه (۱۳۹۴) عدالت جنسیتی در اسلام با تأکید بر قرآن، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکده معارف قرآنی موسسهٔ دارالقرآن الحکیم اصفهان.

عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۸) «عدالت جنسیتی، مرز تعامل جنسیت و سیاست»، *مطالعات راهبردی زنان*، دورهٔ دوازدهم، شمارهٔ ۴۶: ۲۲۵-۲۶۶.

علی‌پور، پروین، محمدجواد زاهدی، امیر ملکی و محمدرضا جوادی‌یگانه (۱۳۹۶) «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامهٔ پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دورهٔ ششم، شمارهٔ ۲: ۲۰۳ - ۲۲۹.

فلیک، اووه (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمهٔ هادی جلیلی، تهران: نی.

قره‌یاضی، هایده (۱۳۸۲) «گزارشی از طرح تحقیقاتی مطالبات زنان»، *فصلنامهٔ ریحانه*، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، دورهٔ اول، شمارهٔ ۱: ۱۴۷-۱۵۵.

کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۱) «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده»، *رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۳: ۷۴-۴۱.

گرامی‌زادگان، اشرف (۱۳۸۳) «حقوق زنان در برنامه های توسعه»، *حقوق زنان*، دورهٔ سوم، شمارهٔ ۲۵: ۴-۷.

مامسن، ژانت (۱۳۸۸) *جنسیت و توسعه*، ترجمهٔ زهره فنی، تهران: دانشگاه تهران.

منصوری، آذر (۱۳۹۴) «زنان در برنامه ششم توسعه؛ رویکردها و الزامات»، روزنامهٔ شرق، یکشنبه ۱۲ مهر، شمارهٔ ۲۴۱۳.

جواهری، فاطمه (گردآورنده) (۱۳۹۴) *گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران*، تهران: نی.

میرخانی، عزت السادات (۱۳۹۲) «تحلیل عدالت جنسیتی در مناسبات عاطفی، اخلاقی و اقتصادی خانواده» *زن در فرهنگ و هنر*، دورهٔ پنجم، شمارهٔ ۱: ۱۰۳ - ۱۲۴.

میرویسی نیک، صادق (۱۳۹۳) توسعه انسانی و عدالت جنسیتی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

هاشمی، زینب (۱۳۹۴) بررسی عدالت جنسیتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از زاویه قانون کار، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]

هانت، ژانت (۱۳۸۸) «جنسیت و توسعه»، ترجمهٔ مهدی نیاکانی‌فر، *مطالعات زنان*، شمارهٔ ۴۲: ۲۲۹- ۲۷۴.

وکیلی، نرگس (۱۳۹۴) نقد تطبیقی رویکردهای عدالت جنسیتی تساوی‌گرا و تفاوت‌گرا از منظر فلسفه برنامه درسی، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد دانشکدهٔ روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

Lombardo, E. & P. Meier & M. Verloo (2009) *The Discursive Politics of Gender Equality* (Stretching, Bending and Policymaking), London: Routledge.

Marshall, C. (2000) "Policy Discourse Analysis: Negotiating Gender Equity", *Journal of Education Policy*, 15 (2): 125-156.

Nussbaum, M. (2000) "Women's Capabilities and Social Justice", *Journal of Human Development*, 1 (2): 219-247.

Reeves, H. & Baden, S. (2000) *Gender and Development: Concepts and Definitions*, Brighton: Institute of Development Studies, University of Sussex.

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985) *Naturalistic Inquiry*, London: Sage

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.3.7]